

پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه غرب آسیا

حسین مینائی^۱

فرهاد هادی نژاد^۲

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۲۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۱۷

چکیده

دیپلماسی دفاعی ابزاری است که دولت‌ها می‌کوشند، به‌واسطه آن از امتیازات و توانایی‌های خود در حوزه دفاعی برای وابسته کردن دیگر کشورها به خود، افزایش وابستگی متقابل امنیتی، جلب اعتماد، جلوگیری از بروز منازعه، حل منازعه‌ها، ایجاد چارچوب‌های امنیتی منطقه‌ای و نظیر این‌ها استفاده کنند. از ویژگی‌های دیپلماسی دفاعی در شرایط موجود این است که به‌عنوان یکی از ابزارهای هویت‌یابی و مشروعیت‌سازی سیاست دفاعی و راهبردی کشورها تلقی می‌شود. روابط ایران و عربستان در سالهای اخیر از رقابت به سمت رویارویی مستقیم در حال حرکت است. جنگ‌های نیابتی عربستان با ایران در منطقه غرب آسیا به‌ویژه در کشورهای عراق و سوریه و تلاش همه‌جانبه برای جلوگیری از قدرت‌گیری شیعیان در یمن و بحرین باعث شده سعودی‌ها خود را درگیر جنگ‌های فرسایشی کنند که یکی از اثرات آن بحرانی‌شدن روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران است. شناسایی پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی یکی از الزامات اساسی هر پروژه آینده‌نگاری است؛ بر این اساس این مقاله باهدف شناسایی پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران با کشور عربستان در منطقه غرب آسیا نگارش و با ترکیب روش‌های آینده‌پژوهی مانند مرور منابع، پانل خبرگی و تحلیل ماتریس متقاطع و با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک انجام شده است؛ در راستای اجرای این پژوهش از نظرات خبرگی صاحب‌نظران حوزه دفاعی و سیاست خارجی بهره‌برداری و پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی در نتایج ارائه شده است.

کلید واژه‌ها

آینده‌نگاری، پیش‌ران، تحلیل ماتریس متقاطع، دیپلماسی دفاعی.

hoseinminae2@gmail.com

hadinejadfarhad@gmail.com

۱. استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه امام علی(ع)، تهران، ایران

مقدمه

دیپلماسی دفاعی به منزله ارتقاء قابلیت‌های ساختاری برای تحقق اهدافی محسوب می‌شود که زمینه‌های لازم برای اجرای قدرت در محیط آنارشیک را به وجود می‌آورد. چنین روندی را باید بخشی از ضرورت تولید قدرت در محیطی دانست که معطوف به کاربرد ابزارهای متنوع نهادی، راهبردی و کارکردی محسوب می‌شود (ساعد و علیدوستی، ۱۳۹۰: ۲۰). دیپلماسی دفاعی، بخشی از سیاست‌های دولت است که به عنوان یک ابزار مهم در تحقق اهداف کلان نیروهای مسلح نقش‌آفرینی می‌کند و هدف آن را می‌توان ایجاد شرایط سیاسی و ملی و بین‌المللی مطلوب برای حفظ و گسترش ارزش‌های ملی و حیاتی کشور در برابر دشمنان بالفعل و بالقوه دانست (مینائی و همکاران، ۱۳۹۵). در جمهوری اسلامی ایران، همکاری‌های دفاعی برآمده از چارچوب سیاست خارجی کشور است. سیاست خارجی، نوع و گستره همکاری‌های سیاسی و حتی اقتصادی و نظامی یک کشور با کشورهای دیگر را تعیین می‌کند. از آنجایی که دیپلماسی دفاعی برگرفته‌شده و در راستای سیاست خارجی کشور و یکی از منابع تأمین‌کننده قدرت ملی کشور محسوب می‌شود، می‌باید با سیاست کلی نظام در امور خارجه و امور دفاعی هماهنگ باشد؛ از سوی دیگر پژوهشگران معتقدند با توجه به اینکه هدف دیپلماسی دفاعی، تهدیدزدایی و امنیت‌زایی است، از این جهت تأثیر مستقیمی از سیاست دفاعی می‌پذیرد.

ایران و عربستان از نظر ایدئولوژیکی، در تقابل باهم قرار دارند. رشد و افول هم‌اندیشان هر یک از دو کشور عکس‌العمل طرف مقابل را به دنبال دارد. ضمن آنکه سقوط صدام با خارج کردن عراق از رقابت با ایران و عربستان، موجب شد تا رقابت میان ایران و عربستان در منطقه خلیج فارس که به لحاظ سنتی مهم‌ترین میدان سنتی منازعه آنان برای توسعه نفوذ بود، افزایش یابد (Trill, 2011). در دهه اخیر با قدرت‌گیری شیعیان، گفتمانی در قالب هلال فرضی شیعی مطرح شد و عربستان به عنوان قدرت رقیب به تکاپو جهت بازدارندگی راهبردی افتاد. تکاپوی عربستان نیاز به بستری برای مقابله با این هلال فرضی داشت؛ همچنین جغرافیای این هلال با قومیت‌ها، نژادها و مذاهب متفاوت بستری مناسب فراهم کرد که هم‌اندیشان سعودی در انطباق کامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی با این هلال فرضی قرار گیرند. دیپلماسی دفاعی می‌تواند به عنوان ابزاری در کاهش این تقابل نقش‌آفرینی نماید.

در عرصه سیاست‌گذاری به‌ویژه سیاست‌گذاری دفاعی در سطح منطقه، آینده‌پژوهی و پرداختن به آینده و برنامه‌ریزی آن جزء جدانشدنی فرایند سیاست‌گذاری است. غفلت از نیروهای کلیدی و پیش‌ران در فرایند سیاست‌گذاری دفاعی و توسعه، باعث تضعیف تدریجی آن‌ها و درنهایت تأثیرگذاری منفی آن‌ها بر کل سیستم دفاعی می‌شود. دیپلماسی، ابزاری صلح‌آمیز برای مدیریت روابط بین‌المللی در راستای برقراری نظم و امنیت است. در عصر کنونی، گستره و دامنه موضوعات بسیار توسعه یافته و این امر موجب شده تا یک نهاد نتواند تمامی حیطه‌های مرتبط با دیپلماسی را پوشش دهد. در دوران پیش از جنگ جهانی دوم، حوزه‌های دیپلماتیک سیاسی، اقتصادی، دفاعی و... ارتباط چندانی با یکدیگر نداشتند و هر مجموعه، کارکردهای ویژه خود را ایفا می‌کرد؛ اما در دوره جدید، این وضعیت دگرگون شده و از یک سو نظامیان در قلمروهای سیاسی نقش‌آفرینی دارند و از سوی دیگر، مجموعه‌های سیاسی در فرایند طرح‌ریزی راهبردی - دفاعی فعال هستند. به‌واقع باید اشاره کرد که هرچند دستگاه سیاست خارجی نقش اصلی را در قلمرو دیپلماسی ایفا می‌نماید، ولی نهادها و دستگاه‌های متعدد دیگری نیز درگیر فعالیت‌های دیپلماتیک هستند؛ در این رابطه می‌توان به سازمان‌های دفاعی کشورها اشاره کرد که نوع خاصی از دیپلماسی را تحت عنوان دیپلماسی دفاعی پیگیری می‌نمایند.

عربستان در تقابل با جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا، از یک ثبات نسبی و رو به گسترش در روابط خود با امریکا و اروپا برخوردار است، متأسفانه بازیگر جدیدی به نام رژیم صهیونیستی که خود را متحد عربستان می‌داند در پشت پرده بسیاری از سیاست‌های تنش‌آفرین سعودی هاست. همکاری‌های پشت پرده اکنون علنی شده است و به موازات بهبود روابط ایران با اروپا، عربستان به رژیم صهیونیستی نزدیک‌تر شده است و با توجه به آنکه امریکا نسبت به اقدامات و ماجراجویی‌های رژیم صهیونیستی همیشه خاضع بوده، اقدامات عربستان در آتش‌افروزی‌های منطقه‌ای به‌ویژه در یمن و سوریه و همکاری نظامی رژیم صهیونیستی و عربستان در سرکوبی مردم مظلوم یمن با سکوت آنان مواجه بوده است.

از سوی دیگر موضوع عدم قطعیت در آینده و شناسایی بلندمدت آن در دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و کشور عربستان از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ این مسئله مدت‌های طولانی مورد غفلت سیاست‌گذاران دفاعی و دانشگاهیان قرار گرفته است (مینایی، ۱۳۹۵: ۱۹۷).

نظر به اهمیت آینده‌نگاری راهبردهای منطقه‌ای دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، منطبق با منویات مقام معظم رهبری، سند چشم‌انداز، سند سیاست دفاعی و سایر اسناد بالادستی، این دغدغه وجود داشته است که پیشن‌ران‌های کلیدی و اصلی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا با کشور عربستان کدام‌اند. هدف کلی این تحقیق، شناسایی پیشن‌ران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه غرب آسیا با کشور عربستان است. در مسیر اجرای تحقیق تلاش شده به این سؤال پاسخ داده شود که پیشن‌ران‌های اصلی و کلیدی، پیشن‌ران‌های تنظیمی، پیشن‌ران‌های تأثیرپذیر و پیشن‌ران‌های مستقل دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه با کشور عربستان کدام‌اند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه دیپلماسی همواره با روش‌های مختلف به دنبال یافتن راه‌هایی جهت بهبود شیوه‌ها و کیفیت تصمیم‌سازی جهت سیاستمدار هستند. عدم شناخت هوشمندانه آینده دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران از ابزارهای تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی متأثر است. در واقع ابزارها و روش‌های برنامه‌ریزی و همچنین فرایندی که نتیجه عمل سیاست‌گذاری می‌شود، به شدت تحت تأثیر نحوه انتخاب ابزار و روش و عمل سیاست‌گذار است (Shea, 2005: 33). از آنجایی که اهداف اصلی دیپلماسی دفاعی تهدیدزدایی و امنیت‌زایی است، یکی از مهم‌ترین دلایلی که لزوم انجام تعیین پیشن‌ران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران با عربستان را مطرح می‌نماید، مؤلفه تهدید و امنیت است. جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای مهم و راهبردی منطقه و جهان است که همواره با تهدیدهایی روبه‌رو بوده است. در طول تاریخ به‌ویژه دوران معاصر همواره سایه تهدید بر این کشور حاکم بوده است؛ هرچند که ممکن است گوناگونی آن‌ها در زمان‌ها و شرایط مختلف متفاوت بوده باشد. در سال‌های اخیر روابط ایران و عربستان به شدت بحرانی شده و تا مرز جنگ نیابتی پیش رفته است. بیم آن می‌رود، عدم توجه به مشکلات موجود بین دو کشور رویارویی مستقیم را در پی داشته باشد؛ بنابراین شناسایی پیشن‌ران‌های اصلی و کلیدی در دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و عربستان اهمیت و ضرورت فراوانی دارد.

مبانی نظری

پیشینه تحقیق

برخی پژوهشگران در سالیان اخیر به مطالعه در حوزه دیپلماسی دفاعی پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

در پژوهشی با عنوان رهیافتی نظری بر دیپلماسی منطقه‌ای که توسط قاسمی (۱۳۹۱) انجام پذیرفته، نتایج بدین شرح است: دیپلماسی دفاعی، نوعی پیوند بین حوزه نظامی و سیاسی است و در حقیقت، فراهم‌کننده منابع قدرت در جهت اعمال سیاست‌ها و راهبردهای دفاعی کشور محسوب می‌شود؛ به عبارتی دیپلماسی دفاعی، وظیفه تجمیع و تبدیل قدرت بالقوه به بالفعل را به‌منظور دفاع از تمامیت سرزمینی و سایر منافع ملی حیاتی کشور بر عهده دارد؛ در این راستا چند سطح متمایز از بازدارندگی به‌عنوان تجلی‌بخش دیپلماسی دفاعی کشورها قابل‌شناسایی است؛ مهم‌ترین سطح آن، ایجاد تهدید در برابر تهدیدات مقابل است. در نقاط عطف و مراحل گذار از نقاط عطف، تهدید از ناحیه متخاصم یا متخاصمان مشاهده می‌شود.

هم‌چنین در تحقیقی با عنوان نشانه‌ها و کارکردهای دیپلماسی دفاعی پویا، زهره پوستین‌چی و همکاران (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که: برای تبیین چارچوب مفهومی دیپلماسی دفاعی ایران، لازم است تا دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از یکدیگر تفکیک گردد. در شرایط موجود منطقه‌ای، نشانه‌هایی از بحران مشاهده می‌شود. در شرایط تهدید، دیپلماسی دفاعی به‌موازات الگوهای تولید قدرت مورد توجه قرار می‌گیرد؛ در این ارتباط، چندجانبه‌گرایی به‌موازات فرایندهای معطوف به مقاومت راهبردی به‌عنوان بخشی از نشانه‌های کنش راهبردی ایران در حوزه دیپلماسی دفاعی بوده است.

پژوهشی تحت عنوان دیپلماسی دفاعی نوین انگلستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران توسط میرزایی و همکاران (۱۳۹۳) صورت گرفته که نتایج آن بدین شرح است: دیپلماسی دفاعی انگلستان در راستای افزایش قدرت و امنیت برای اهداف و منافع راهبردی آن کشور طراحی شده است؛ به‌این‌ترتیب هریک از بخش‌های مؤثر در ساختار دفاعی انگلستان، کارویژه خاصی را عهده‌دار است. تمام حوزه‌های دفاعی انگلیس باید بتوانند از طریق مشارکت سازمانی، رفتاری و کارکردی خود به نتایج مطلوب و مؤثری برای امنیت و قدرت ملی انگلیس نائل گردند.

کارویژه‌های مربوط به دیپلماسی دفاعی انگلیس، معطوف به نقش ارتقاءدهنده و همچنین تکمیل‌کننده سایر مأموریت دفاعی است. هریک از حوزه‌های دفاعی و راهبردی می‌توانند بخشی از ضرورت‌های انگلستان را برای تأثیرگذاری بر محیط پیرامونی، کنترل منازعات، پیش‌دستی در فرایندهای راهبردی و همکاری چندجانبه برای تبدیل قدرت به امنیت را تأمین نمایند. شواهد نشان می‌دهد که مقامات و ساختار دفاعی انگلستان، همانند آمریکا، حساسیت ویژه‌ای نسبت به گسترش ابزارهای قدرت در حوزه‌های مختلف جغرافیایی دارند. در روند محدودسازی قابلیت‌های هسته‌ای ایران، دیپلماسی دفاعی انگلستان، نقش تعیین‌کننده‌ای را عهده‌دار بوده است.

در پژوهشی با عنوان تعیین پیش‌ران‌های اصلی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌الملل که توسط مینائی و همکاران (۱۳۹۵) انجام پذیرفت، محققان به این نتیجه رسیدند که پیش‌ران تنش‌زدایی و اعتمادسازی در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل به عنوان پیش‌ران کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل خواهد بود.

آرم (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان ایران و عربستان، رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که دلیل افزایش تنش در روابط ایران و عربستان چیست؟ فرض این پژوهش بر این مبنا استوار است که تداوم الگوی تعارض در روابط دو کشور به دلیل رقابت منطقه‌ای میان ایران و عربستان و افزایش قدرت منطقه‌ای ایران بعد از توافق هسته‌ای در کنار تقابل ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی است.

هم‌چنین مینائی و هادی نژاد (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان روند پژوهی تهدیدهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ضمن بررسی توصیفی تهدیدات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در اسناد راهبردی منتشر شده و تحلیل روند راهبردهای تهدیدات استخراج شده، به تبیین روندهای آتی تهدیدات در ابعاد: منطقه‌ای، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و اندیشه‌ای، سایبری و فرهنگی پرداخته‌اند.

مفهوم شناسی

مفهوم سیاست دفاعی و دیپلماسی دفاعی

سیاست دفاعی در سطح ملی خطوط کلی اقدامات اصلی، کلیدی و فعالیت‌های نظامی کشور را مشخص می‌سازد و چارچوبی است که راهبرد نظامی در سطح ملی را شکل می‌دهد. به بیانی،

بر پایه سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌ها طراحی و تدوین می‌گردد (Jablonsky, 2004). دیپلماسی دفاعی به مثابه ساز و کاری است که نقش مهمی را در نیل به هدف‌های سیاست‌های امنیتی یا خارجی خاص کشورها ایفا می‌کند (Bishoyi, 2011: 64). دیپلماسی دفاعی با اهمیت دادن به عنصر پیشگیری، شرایطی را فراهم می‌کند که پیش از هرگونه برخوردی، واحد سیاسی بتواند منافع و هدف‌های خود را کسب نماید و به بهترین وجه، قدرت را در حوزه‌های گوناگون تقسیم کند (مینائی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۶).

چارچوب نظری دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران از نظر محیط منطقه‌ای یا ایدئولوژیک یا راهبردی، دشمنان متعددی داشته و در معرض تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد؛ از این رو ضرورت اقدام‌های برنامه‌ریزی شده در قالب دیپلماسی دفاعی بیشتر است. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ مشروعیت و موقعیت خود در منطقه غرب آسیا باید از اسلام و ضرورت‌های ایدئولوژیک آن در تدوین راهبرد امنیتی / دفاعی خود بهره‌برداری نماید.

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که در معرض تهدیدهای مختلف است، ایران و هر کشور دیگری با توجه به میزان آسیب‌پذیری ژئوپلیتیک منطقه، ضریب امنیتی منطقه‌ای و محیط پیرامونی خود، سطحی از اقدام‌های پدافندی را در قبال تهدیدهای دشمنان به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در دستور کار قرار می‌دهد (عسگرخانی و حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۸۸). اگر جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی دفاعی، نوعی موازنه در حوزه منطقه‌ای به موازات تعامل‌گرایی فرامنطقه‌ای ایجاد کند، در آن شرایط، بسیاری از مخاطره‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای خود را کاهش می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران از طریق دیپلماسی دفاعی و با بهره‌گیری از توان دیپلماتیک و ابزارهای سیاسی برای کسب بالاترین هدف‌های دفاعی در جهت مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای تلاش می‌کند؛ از این رو راهبرد دیپلماسی دفاعی ایران، موازنه‌گرایی و تعامل مبتنی بر اعتماد و تنش‌زدایی و همکاری است؛ بنابراین رویکرد و گفتمان حاکم بر دیپلماسی دفاعی در جهت مقابله با تهدیدهای پیرامون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و خنثی‌سازی آن‌ها، رویکرد ترکیبی تدافعی - تعاملی همه‌جانبه است. خصلت‌های دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فعال

بودن، ایجاد درک متقابل از اهداف، خواسته‌ها، داشته‌ها و تقویت اراده جمعی در حل منازعات و کاهش تهدیدها و حرکت به سوی یک جهان آرام و امن، است (خداوردی، ۱۳۹۱: ۹).

دیپلماسی دفاعی عربستان در غرب آسیا

سیاست منطقه‌ای آمریکا در خلیج فارس ماهیت تغییر یابنده و دگرگون شونده دارد؛ علت آن را می‌توان ناشی از شکل‌بندی‌های متحول قدرت و امنیت در غرب آسیا دانست؛ زیرساخت تفکر امنیتی آمریکا نیز بر دگرگونی راهبردهای امنیتی در مناطقی قرار دارد که همواره در فرایند بحران‌های ساختاری و منطقه‌ای واقع می‌شوند؛ به عبارت دیگر هرگونه دگرگونی در راهبرد امنیتی آمریکا تابعی از شکل‌بندی‌های کنش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. عربستان از سال ۱۹۳۲ به بعد جایگاه خود را در ساختار سیاسی، اقتصادی و راهبردی آمریکا تثبیت نموده است (متقی، ۱۳۸۷: ۸۲).

در چنین فرایندی رهبران سیاسی و امنیتی عربستان مبادرت به ایجاد لابی‌های تأثیرگذار در ساختار امنیتی آمریکا نموده و از این طریق موقعیت خود را به‌عنوان کشوری که بیشترین صادرات نفت جهان را به انجام می‌رساند، در ساختار سیاسی آمریکا تثبیت نموده است؛ شاید بتوان این موضوع را مطرح نمود که از سال ۱۹۴۸ تاکنون، عربستان و رژیم صهیونیستی به‌عنوان دو کشور غرب آسیا محسوب می‌شوند که همواره مورد حمایت سیاست امنیتی آمریکا قرار گرفته‌اند. عربستان در دهه ۱۹۷۰ نقش موازنه‌کننده با ایران در ارتباط با موضوعات امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس را عهده‌دار بوده است. انقلاب اسلامی ایران منجر به ارتقاء نقش راهبردی عربستان در غرب آسیا گردید. در دهه ۱۹۸۰، عربستان به همراه عراق نقش موازنه دهنده قدرت ایران در خلیج فارس را ایفا نمودند؛ دو کشور یادشده را می‌توان به‌عنوان بازیگرانی دانست که توانستند در سیاست منطقه‌ای و راهبردهای امنیتی آمریکا در غرب آسیا به‌عنوان محور اصلی سیاست مهار ژئوپلیتیکی ایران ایفای نقش نمایند (ساعد و علیدوستی، ۱۳۹۲: ۸۹). عربستان در جنگ دوم خلیج فارس در ژانویه ۱۹۹۱ به همراه سوریه و مصر به‌عنوان متحدین منطقه‌ای آمریکا علیه صدام حسین ایفای نقش کردند. کشورهایی همانند عربستان، اردن، مصر و امارات عربی متحده در جنگ مارس ۲۰۰۳ آمریکا علیه عراق واکنش نشان دادند؛ آنان بر این اعتقاد بودند که نباید زمینه‌های عدم توازن

در منطقه خلیج فارس ایجاد شود؛ از دیدگاه کشورهای یادشده، هرگونه خلأ قدرت در عراق منجر به مازاد قدرت ژئوپلیتیکی ایران می‌شود (عسگری، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

راهبرد امنیتی و ژئوپلیتیکی عربستان در غرب آسیا و خلیج فارس

سیاست منطقه‌ای عربستان تابعی از شکل‌بندی‌های ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیک، هویتی و راهبردی محسوب می‌شود. درآمدهای نفتی عربستان همواره یکی از عوامل اصلی قدرت اقتصادی و راهبردی این کشور در خلیج فارس، غرب آسیا و جهان اسلام محسوب می‌شود. در عربستان شیعیان در حدود ۱۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. اسلام به‌عنوان دین رسمی و آیین وهابیت زیربنای ایدئولوژی سیاسی عربستان از سال ۱۹۱۹ تاکنون بوده است. وهابیت که در اواخر قرن ۱۹ به‌عنوان اندیشه سیاسی مقابله با شریف حسین پرده‌دار خانه کعبه محسوب می‌شد، در سال‌های بعد از فروپاشی اتحاد شوروی نماد مقابله با گسترش اندیشه و جایگاه ساختاری شیعیان در غرب آسیا به کار گرفته شده است. تضادهای هویتی و ژئوپلیتیکی عربستان با ایران نه‌تنها در دوران جمهوری اسلامی ایران گسترش قابل توجهی پیدا کرده، بلکه چنین تضادهایی عامل مخاطره در روابط سیاسی و امنیتی دو کشور در دوران پهلوی بوده است. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبران عربستان در همکاری با عراق درصدد برآمدند تا موازنه با ایران را از طریق منازعه نظامی پیگیری نمایند. عراق در آگوست ۱۹۹۰ درصدد برآمد تا از نیروی موازنه‌گر منطقه‌ای عبور نماید. صدام حسین درصدد بود تا نقش هژمون منطقه‌ای را ایفا کند. اشغال نظامی کویت، موقعیت عربستان در خلیج فارس، غرب آسیا و سیاست بین‌الملل را کاهش داد (متمقی، ۱۳۸۷: ۸۶).

جایگاه منطقه‌ای عربستان از دهه ۱۹۸۰ به گونه قابل توجهی ارتقاء پیدا کرد. حمایت اقتصادی و ایدئولوژیک عربستان از صدام حسین، زمینه‌های لازم برای سرکوب شیعیان در عراق را به وجود آورد؛ چنین اقداماتی در زمان جنگ ایران - عراق، از فراوانی و گسترش قابل توجهی برخوردار شده بود. صدام حسین در سال‌های بعد از جنگ با ایران، درصدد برآمد تا نقش حمورابی را به‌عنوان مرکزیت قدرت بین‌النهرین ایفا نماید؛ تحقق چنین کارویژه‌ای ایجاب می‌کرد که از توان اقتصادی فراگیری برای حمایت از گروه‌های حاشیه‌ای جهان عرب برخوردار شود. جهان عرب در دهه ۱۹۸۰ به دو بخش برخوردار و نیازمند تقسیم شده بود. گروه‌های نیازمند درصدد بازیابی

اقتدار عربی بودند. شعارهای ناسیونالیستی صدام حسین می‌توانست الهام‌بخش آنان برای شکل‌گیری جدال‌های جدید در غرب آسیا باشد؛ چنین رویکردی منجر به اشغال کویت در دوم آگوست ۱۹۹۰ توسط نیروهای ارتش عراق گردید؛ کشورهای اتحادیه عرب، چنین اقدامی را محکوم نمودند. عربستان سعودی محور اصلی مقابله با صدام حسین بعد از اشغال کویت محسوب می‌شد. زمانی که ائتلاف علیه صدام شکل گرفت، کشورهای عربستان، مصر و سوریه خط مقدم جهان عرب برای مقابله با سیاست توسعه سرزمینی و کنترل منابع اقتصادی خلیج فارس توسط صدام حسین بودند. نقش‌یابی مجدد عربستان در ساختار امنیت منطقه‌ای مربوط به سال‌های بعد از اشغال عراق توسط نیروهای نظامی آمریکا است. دیوید پترائوس بر ضرورت بهره‌گیری از قابلیت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی عربستان برای کنترل قدرت منطقه‌ای ایران تأکید داشت. از سال ۲۰۰۶ به بعد، آمریکایی‌ها موافقت نمودند که عربستان نقش متوازن‌کننده بحران در غرب آسیا را ایفا نماید (عسگری، ۱۳۸۹: ۱۰۷)؛ تحقق این امر از طریق بحران‌سازی و تصاعد بحران امکان‌پذیر بود. هم‌اکنون حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی عربستان از منطقه شبه‌قاره شروع گردیده و به حوزه مدیترانه شرقی گسترش می‌یابد. در شرایط موجود، القاعده، داعش، جبهه النصره و... به عنوان گروه سیاسی ایدئولوژیک شده محسوب می‌شوند که به عنوان ابزار قدرت امنیتی عربستان ایفای نقش می‌کنند. بهره‌گیری از القاعده و داعش برای تحقق اهداف مذهبی، سیاسی و امنیتی نشان می‌دهد که عربستان در شرایط موجود نه تنها تمایلی به ایفای نقش تمرکزگرا در غرب آسیا ندارد، بلکه تلاش می‌کند تا تمایز بین گروه‌های مذهبی، نژادی و قومی در غرب آسیا را شدت بخشد؛ در چنین شرایطی شاهد تمایز مسلمانان سنی و شیعه، مسیحیان و یهودیان، اعراب، ترک‌ها و فارس‌ها، آذری‌ها، کردها، دروزی‌ها، علوی‌ها، مارونی‌ها، بنیادگرایان مذهبی و سکولارها هستیم؛ چنین تفاوت‌هایی دورنمای جغرافیای انسانی غرب آسیا را تشکیل می‌دهد.

مفهوم پیش‌ران^۱

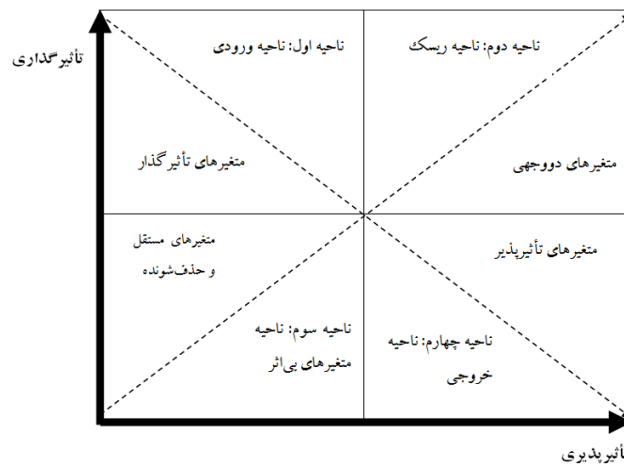
پیش‌ران‌ها نیروهایی هستند که بر پیامد رویدادها اثر دارند؛ به عبارت دیگر عناصری که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریوها شده و سرانجام داستان‌ها را مشخص می‌کنند (شوارتز، ۱۳۸۸)؛ از سوی دیگر میزان پیش‌بینی‌ناپذیر بودن تحولات و نتایج آینده را عدم قطعیت

1. Driver

گویند. پیش‌ران‌ها از این حیث که عامل تغییرات آینده می‌باشند ضمن تأثیرگذاری بر عدم قطعیت‌ها (که به عواملی اشاره دارد که نتایج آن‌ها شناخته شده است اما هنوز اتفاق نیفتاده‌اند) بیشترین نقش راهبردی در آینده را بر عهده دارند (عیوضی، ۱۳۹۷: ۵۳).

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با ترکیب روش‌های آینده‌پژوهی مرور منابع، پانل خبرگی و تحلیل ماتریس متقاطع انجام شده است. روش تحلیل ماتریس متقاطع با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک اجرا گردیده است. روش تحلیل ماتریس متقاطع بر این سؤال بنا نهاده شده است که آیا پیش‌بینی آینده می‌تواند مبتنی بر تأثیرات احتمالی متقابل اتفاقات آینده بر یکدیگر باشد (GORDON, 1994: 12). روش تحلیل اثر متقابل در شناسایی متغیرها و روندهای کلیدی بسیار مفید است؛ در این نوع تحلیل دو نوع اثر مستقیم و غیرمستقیم از هم تفکیک می‌شوند: آثار مستقیم که از نتیجه تحلیل تأثیرات عوامل بر همدیگر به دست می‌آید و آثار غیرمستقیم از طریق توان‌های ۲، ۳، ۴ و... عوامل محاسبه می‌شود (Godet et al, 2003: 18). برای یک متغیر، ویژگی مهم بودن، داشتن ارتباط قوی با سیستم است که با تعداد و شدت این ارتباطات سنجیده می‌شود؛ متغیرهایی که چنین ویژگی دارند، متغیرهای کلیدی نامیده می‌شوند. از آنجایی که هرگونه تغییر در متغیرهای کلیدی، کل سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، شایسته است در آینده بیشتر مورد توجه قرار گیرند. در بیشتر رویکردهای علمی از تحلیل تأثیر متقابل به منظور بررسی احتمال سناریوها استفاده می‌شود؛ در این مرحله پس از تحلیل ماتریس و تهیه نمودارهای مختلف در نرم‌افزار میک‌مک، چهار پیش‌ران جهت تدوین سناریو و پیش‌ران کلیدی نیز شناسایی می‌شود (Godet, 2006: 18). همان‌گونه که در شکل شماره ۱ مشاهده می‌شود این نرم‌افزار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها و فضای آن‌ها را تعیین می‌کند.



شکل ۱. مختصات تحلیل تأثیر متقابل متغیرها (Godet, 2006)

شکل فوق مشخص می‌نماید که پس از ورود متغیرهای تأثیرگذار به نرم افزار میک مک فضای متغیرهای کم تأثیر و یا متغیرهایی که قابل حذف شدن هستند در کجا قرار دارد و یا متغیرهایی که هدف و یا پیش‌ران کلیدی خواهند شد در کجا قرار می‌گیرند؛ همچنین موقعیت هندسی متغیرهای تأثیرگذار، تأثیرپذیر، بی‌تأثیر و دوجویی که شناسایی آن‌ها از اهداف تحقیق حاضر است، در شکل مشخص شده است.

جامعه آماری این تحقیق صاحب‌نظران و مدیران شاغل در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، وابسته‌های نظامی، مدیران وزارت امور خارجه و ستاد کل نیروهای مسلح که در روند فعالیت‌های خود به‌نوعی از دیپلماسی دفاعی و امور دفاعی جمهوری اسلامی ایران، آگاهی داشته و سابقه فعالیت اجرایی دارند و همچنین دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند را شامل می‌شود؛ در این پژوهش اینکه چه کسی را در چه زمانی و یا در چه مکانی برای پژوهش برگزینیم به ملاک‌های عینی بستگی دارد که با توجه به هدف پژوهش تعیین می‌شود؛ نمونه‌برداری هدفمند برای همین منظور به کار می‌رود. حداقل نفراتی که مدنظر محقق هستند پانزده نفر است که با توجه به هدف تحقیق و تخصص آن‌ها از بین جامعه آماری انتخاب شده‌اند.

یافته‌های تحقیق

در این بخش گام‌های سه‌گانه تا احصاء پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و عربستان تشریح می‌گردد:

گام اول: شناسایی پیش‌ران‌های اولیه

برای این منظور ابتدا از طریق مصاحبه و دریافت نظر خبرگی از خبرگان و مصاحبه با صاحب‌نظران، پیش‌ران‌های اولیه دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و عربستان مشخص گردید. جزئیات ۱۶ پیش‌ران به‌دست آمده در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. پیش‌ران‌های اولیه شناسایی شده

ردیف	پیش‌ران اولیه شناسایی شده
۱	تعامل سازنده در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان
۲	انجام اقدامات محدود از طریق جنگ نیابتی
۳	همزیستی مسالمت‌آمیز در روابط ایران و عربستان
۴	تنش‌زدایی و اعتمادسازی در دیپلماسی دفاعی
۵	اعمال فشار از طریق شیعه‌های طرفدار ایران در عربستان
۶	تشدید رقابت منطقه‌ای در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان
۷	درگیری مستقیم در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان
۸	همگرایی با عربستان در جهت امنیت دسته‌جمعی
۹	تهدید متقابل و مقاومت‌گرایی در دیپلماسی دفاعی مقابل عربستان
۱۰	ائتلاف با کشورهای دوست و هم‌پیمان
۱۱	تشدید تهدیدهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران
۱۲	تجهیز نیروهای حوثی در یمن
۱۳	اقدام نظامی مستقیم در یمن
۱۴	ایجاد اختلاف در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس
۱۵	محدودسازی قدرت عربستان در سوریه
۱۶	محدودسازی قدرت عربستان در لبنان

گام دوم: تقلیل پیش‌ران‌ها با کمک پانل خبرگی

در این گام پیش‌ران‌های مشخص شده در مرحله قبل، در طی یک پانل خبرگی در اختیار ۱۰ نفر از خبرگانی که در مرحله قبل نیز شرکت داشتند، قرار داده شد و پس از بحث و بررسی، تعداد

هفت پیش‌ران به عنوان پیش‌ران‌های مهم در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان معرفی گردیدند که در جدول شماره ۲ ارائه شده است

جدول ۲. پیش‌ران‌های دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان

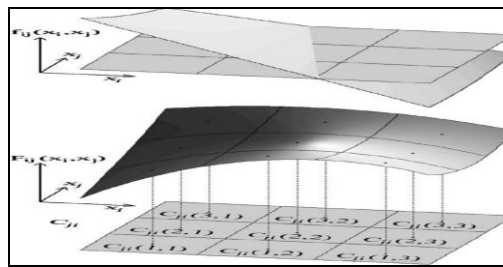
ردیف	پیش‌ران	برچسب
۱	تعامل سازنده در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان	A
۲	همزیستی مسالمت‌آمیز در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان	B
۳	تنش‌زدایی و اعتمادسازی در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان	C
۴	تشدید رقابت منطقه‌ای در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان	D
۵	درگیری مستقیم در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان	E
۶	همگرایی با عربستان در جهت امنیت دسته‌جمعی	F
۷	تهدید متقابل و مقاومت‌گرایی در دیپلماسی دفاعی با عربستان	G

گام سوم: تعیین پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی

در این گام جهت تعیین پیش‌ران‌های کلیدی و تشخیص روابط متقابل پیش‌ران‌ها از روش تحلیل ماتریس متقاطع^۱ (متقابل) با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک استفاده شده است. نرم‌افزار میک‌مک جهت انجام محاسبات سنگین ماتریس متقاطع طراحی شده است؛ روش این نرم‌افزار این‌گونه است که ابتدا متغیرها و مؤلفه‌های مهم در حوزه موردنظر شناسایی می‌شود و سپس در ماتریسی مانند ماتریس تحلیل اثرات وارد می‌شود و میزان ارتباط میان این متغیرها با حوزه مربوط توسط خبرگان تشخیص داده می‌شود؛ برای این اقدام برابر جدول ماتریس متقاطع در نرم‌افزار به متغیرها امتیاز داده می‌شود. ارائه امتیاز توسط خبرگان از طیف (۰) تا (+۳) صورت می‌گیرد. متغیرهای موجود در سطرها بر متغیرهای موجود در ستون‌ها تأثیر می‌گذارند؛ بدین ترتیب متغیرهای سطرها و متغیرهای ستون‌ها تأثیرپذیرند. با تحلیل‌های میک‌مک و استخراج عوامل اصلی می‌توان روابط بین متغیرها را نیز بررسی کرد و به تهیه سناریوهای آینده پرداخت. شکل شماره ۲ نشان می‌دهد که چطور عوامل کلیدی در ارتباط با همدیگر به سناریوهای ممکن و محتمل منجر می‌شوند؛ همچنین این نمودار حاکی است، برخی عوامل کلیدی با همدیگر ارتباط‌های تقویت‌کننده و یا تضعیف‌کننده دارند و کنار یکدیگر سناریوی خاصی را به وجود

1. Cross Impact Analysis

می‌آورند؛ این وضعیت با تغییرات اندک در سایر ویژگی‌های هر یک از عوامل کلیدی به شکل‌گیری سناریوهای جدید می‌انجامد که میزان و تعداد آن‌ها به درجه تغییرات هر یک از عوامل اصلی در آینده بستگی دارد.



شکل ۲. تأثیرپذیری و تأثیرگذاری پیش‌ران‌های کلیدی

به‌طور کلی مراحل انجام تحلیل ماتریس متقاطع با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک به شرح زیر است:

- تهیه لیست پیش‌ران‌ها یا متغیرها به عنوان روندهایی با جهت‌های معین
- تهیه ماتریس قطری n در n به تعداد پیش‌ران‌ها (روندها)
- قضاوت در مورد این که روند A تا چه حد بر روند B تأثیر خواهد داشت؛ این تأثیر معمولاً با عددی در مقیاس صفر تا ۳ مشخص می‌شود. به‌طور کلی عدد صفر بدون تأثیر، عدد ۱ تأثیر کم، عدد ۲ تأثیر متوسط و عدد ۳ تأثیر زیاد را نشان می‌دهد؛ بنابراین اگر تعداد متغیرهای شناسایی شده برابر n باشد یک ماتریس $n \times n$ به دست می‌آید که در آن تأثیرات متغیرها بر یکدیگر مشخص شده است (Asan, 2007).
- جمع‌بندی نتایج (جمع هر ردیف میزان قدرت پیش‌برندگی متغیر را نشان می‌دهد؛ این بدان معناست که این متغیر تا چه اندازه متغیرهای دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جمع هر ستون، سطح وابستگی هر متغیر را نشان می‌دهد).
- رسم روندها: متغیرها بر روی یک نمودار، وابستگی در یک محور و پیش‌رانی در محور دیگر.

در ادامه تحقیق و بر اساس نتایج به دست آمده و یافته‌های حاصل از تحلیل ماتریس متقاطع و خروجی‌های نرم‌افزار میک‌مک، پیش‌ران‌های اصلی و یا متغیرهای تعیین‌کننده در دیپلماسی

دفاعی جمهوری اسلامی ایران به تفکیک تشریح شده در شکل شماره ۱ به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

متغیرهای دوجهی ریسک و هدف

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل ماتریس متقاطع و خروجی‌های نرم‌افزار میک‌مک، پیش‌ران تنش‌زدایی و اعتمادسازی در دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران با عربستان به عنوان متغیر دوجهی یا متغیر ریسک و هدف شناخته شد؛ این متغیر هم‌زمان به صورت بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر عمل می‌کنند.

متغیرهای مستقل

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل ماتریس متقاطع پیش‌ران‌های زیر به عنوان متغیرهای مستقل شناسایی شدند؛ این متغیرها بر اساس شکل شماره ۱ در قسمت جنوب غرب نمودار قرار گرفته‌اند و دارای کمترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هستند؛ همچنین متغیر تهدید متقابل و مقاومت‌گرایی را به دلیل قرار گرفتن در نزدیکی شمال غرب نمودار به عنوان خروجی سیستم می‌توان در نظر گرفت. مابقی متغیرهایی که در منطقه پایینی جنوب غرب نمودار قرار گرفته‌اند به‌عنوان متغیر مستقل به شرح زیر معرفی می‌شوند:

- درگیری مستقیم در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان؛
- تشدید رقابت منطقه‌ای در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان؛
- همگرایی با عربستان در جهت امنیت دسته‌جمعی.

متغیرهای تنظیمی

بر اساس نتایج حاصل از خروجی نرم‌افزار میک‌مک، متغیرهای تنظیمی باید در مرکز نمودار قرار بگیرد؛ به دلیل اینکه هیچ‌یک از پیش‌ران‌ها در مرکز نمودار قرار نگرفته است؛ بنابراین متغیر تنظیمی در این پژوهش شناسایی نشد.

متغیرهای تأثیرپذیر

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل ماتریس متقاطع و نرم‌افزار میک‌مک، پیش‌ران‌های زیر به‌عنوان متغیرهای تأثیرپذیر شناسایی شدند. این متغیرها در قسمت جنوب شرق شکل شماره ۱ قرار گرفته‌اند و دارای تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بسیار بالایی از سیستم هستند؛ این متغیرها نسبت

به تکامل متغیرهای تأثیرگذار دووجهی، بسیار حساس هستند؛ آن‌ها متغیرهای خروجی از سیستم هستند.

- تعامل سازنده در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان؛

- همزیستی مسالمت‌آمیز در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

به‌طور کلی دیپلماسی دفاعی ابزاری است که دولت‌ها می‌کوشند، به‌واسطه آن از امتیازات و توانایی‌های خود در حوزه دفاعی برای وابسته کردن دیگر کشورها به خود، افزایش وابستگی متقابل امنیتی، جلب اعتماد، جلوگیری از بروز منازعه، حل منازعه‌ها، ایجاد چارچوب‌های امنیتی منطقه‌ای و نظیر این‌ها استفاده کنند. از ویژگی‌های دیپلماسی دفاعی در شرایط موجود این است که به‌عنوان یکی از ابزارهای هویت‌یابی و مشروعیت‌سازی سیاست دفاعی و راهبردی کشورها تلقی می‌گردد. ایران و عربستان با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و تأثیری که بر روی سایر بازیگران منطقه‌ای دارند، از مهم‌ترین کشورهای حوزه خلیج فارس و غرب آسیا هستند و به نوعی رقیب منطقه‌ای یکدیگر محسوب می‌شوند. روابط دو کشور در طول تاریخ همواره روندی متغیر داشته و تحولات سال‌های اخیر و ظهور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر پیچیدگی روابط دو کشور افزوده است تا جایی که موجب اختلافات شدید و تقابل دو کشور در حوزه‌های مختلف شده است. مقاله حاضر با هدف شناسایی پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران با کشور عربستان تدوین گردیده و در این مسیر از ترکیب روش‌های آینده‌پژوهی مانند مرور منابع، پانل خبرگی و تحلیل ماتریس متقاطع و نرم‌افزار میک‌مک استفاده شده است. در انتها پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی مستخرج از تحلیل نتایج به دست آمده به شرح ذیل حاصل شده است:

پیش‌ران‌های اصلی

بر اساس نتایج حاصله از تحلیل ماتریس متقاطع و خروجی‌های نرم‌افزار میک‌مک، پیش‌ران‌های زیر به دلیل برخورداری از بیشترین نمره در جنبه‌های تأثیر مستقیم، وابستگی مستقیم، تأثیر غیرمستقیم و وابستگی غیرمستقیم به عنوان پیش‌ران‌های اصلی شناسایی شده‌اند:

- تعامل سازنده در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان؛
- همزیستی مسالمت‌آمیز در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان؛
- تنش‌زدایی و اعتمادسازی در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان؛
- تهدید متقابل و مقاومت گرایی در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان.

پیش‌ران کلیدی

متغیر تنش‌زدایی و اعتمادسازی در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان به دلیل عملکرد هم‌زمان به صوت بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر و نیز قرار گرفتن در ناحیه قطری شمال شرقی نمودار و همچنین برخورداری از بیشترین نمره در جنبه‌های تأثیر مستقیم، وابستگی مستقیم، تأثیر غیرمستقیم و وابستگی غیرمستقیم به عنوان پیش‌ران کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران شناسایی گردید.

در انتها با توجه به خروجی حاصل از تحقیق و پیش‌ران کلیدی شناسایی شده، پیشنهاد کاربردی ذیل قابل ارائه است:

مراکز تحقیقاتی در وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و نیروهای مسلح، زمینه همکاری مطالعاتی با مراکز تحقیقاتی کشور عربستان را بررسی نمایند تا از آن طریق بتوانند موجبات اعتمادسازی و کاهش تنش بین دو کشور را از طریق نخبه‌های علمی دو کشور فراهم نمایند.

منابع

فارسی

۱. پوستین چی، زهره؛ متقی، ابراهیم؛ مایی، طیبه؛ فقیه، مهدی (۱۳۹۱)، نشانه‌ها و کارکردهای دیپلماسی دفاعی پویا، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۴۰: ۷۲ - ۳۷.
۲. خداوردی، بهرام (۱۳۹۱)، دیپلماسی دفاعی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، در تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، گزیده مقالات ۲، تهران: انتشارات عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
۳. آرم، آرمینا (۱۳۹۵)، ایران و عربستان، رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه، فصلنامه سیاست، سال سوم، شماره ۹، ۷۳ - ۸۱.
۴. ساعد، نادر؛ علیدوستی، قاسم (۱۳۹۰)، دیپلماسی دفاعی تطبیقی و ترسیم سازواره الگوی مدیریت آن در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۴: ۱۲۰ - ۸۵.
۵. شوارتز، پیتر (۱۳۸۸)، هنر دورنگری، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
۶. عسگرخانی، ابومحمد؛ حق‌شناس، محمدرضا (۱۳۹۰)، تهدیدهای منطق‌های و راهبرد تسلیحاتی - امنیتی ج.ا.ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳: ۹۹ - ۶۹.
۷. عسگری، محمود (۱۳۸۹)، چارچوبی برای تبیین دیپلماسی دفاعی، نامه دفاع، شماره ۱۷.
۸. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۷)، کلیات و مبانی آینده‌پژوهی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۹. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱)، رهیافتی نظری بر دیپلماسی منطقه‌ای: واحدهای تجدید نظر طلب در گذار چرخه سیستمی قدرت، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۴: ۳۴ - ۷.
۱۰. متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، نقش پیمان‌های دفاعی در قدرت ملی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ششم، شماره ۲۳: ۷۶ - ۴۹.
۱۱. میرزایی، سیداحمد؛ غریب آبادی، کاظم؛ رضاییان پور، محمدهادی (۱۳۹۳)، دیپلماسی دفاعی نوین انگلستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۱: ۱ - ۲۹.
۱۲. مینایی، حسین (۱۳۹۵)، آینده‌نگاری دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، تهران: جهاد دانشگاهی.

۱۳. مینائی، حسین؛ حاجیانی، ابراهیم؛ دهقان، حسین؛ جعفرزاده پور، فروزنده (۱۳۹۵)، تعیین پیش‌ران‌های اصلی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌الملل، فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، سال اول، شماره ۱: ۷-۲۶.

۱۴. مینائی، حسین؛ حاجیانی، ابراهیم؛ دهقان، حسین؛ جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۳۹۳)، ارزیابی اثر فعالیت‌های مدیریت دانش بر دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۰: ۵۹-۳۹.

۱۵. مینائی، حسین؛ هادی نژاد، فرهاد (۱۳۹۷)، روندپژوهی تهدیدهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، سال سوم، شماره ۸: ۷-۲۸.

انگلیسی

1. Asan, S., Asan, U. (2007), Qualitative cross-impact analysis with time consideration, Technological forecasting and social change, vol74.
2. Bishoyi, S (2011), Defence Diplomacy in US-India Strategic Relationship, Journal of Defence Studies, Vol 5. No 1.
3. Godet, A. J., Meunier, M. F., Roubelat, F. (2003), Structural analysis with the MICMAC method & actors' strategy with MACTOR method, AC/UNU Millennium Project: Futures Research Methodology-V2.0, AC/UNU, Washington, DC.
4. Godet, M. (2006), Creating Futures: Scenario Planning as a Strategic Management Tool, France, Economica publish
5. Gordon, T. (1994) Trend Impact Analysis, AC/UNU Millennium project.
6. Shea, T. (2005), Transforming Military Diplomacy, Joint Forces Quarterly, Issue 38.
7. Jablonsky, D. (2004), Why is Strategy Difficult, in Boone Bartholomees (ed.), Guide to National Security Policy and Strategy, U.S Army War Collge
8. Terrill, A (2011), The Saudi-Iranian Rivalry and the Future of Middle East Security, Strategic Studies Institute (SSI), USA. "The OPEC Annual Statistical Bulletin 2010/2011", OPEC.